



دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی

نشریه مرتعداری

سال اول، شماره دوم، ۱۳۹۳

<http://jrm.gau.ac.ir>

## ارزیابی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در مدیریت پایدار مراغ (مطالعه موردی: مراغ ییلاقی دشت بهار - استان همدان)

قدرت‌اله حیدری<sup>۱</sup>، شفق رستگار<sup>۲</sup> و بهزاد فروتنی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>آستادیار، گروه مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری،

<sup>۲</sup>دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۸

### چکیده

در عصر کنونی مشارکت، حاکمیت عقل جمعی و دخالت همه اقشار ذینفع در تصمیم‌گیری‌ها اصلی پذیرفته شده است. هدف‌مند کردن و سوق دادن مشارکت در جهت احیاء منابع طبیعی، توسعه پایدار را بدنبال خواهد داشت. بنابراین، مفاهیم مشارکت و عوامل مؤثر آن، نیازمند تشریح و بررسی می‌باشد. در این راستا، مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر مدیریت پایدار مراغ ییلاقی دشت بهار استان همدان انجام گردید. اطلاعات مورد نیاز با تکمیل ۵۶ پرسش‌نامه از ۴ سامان عرفی به روش کاملاً تصادفی جمع‌آوری شد. عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت، از طریق برآورد الگوی اقتصادسنجی رگرسیون لجیت، مشخص گردیدند. نتایج نشان داد، تسهیلات اعتباری دولتی، افزایش درآمد سالیانه حاصل از دامداری، آگاهی از فعالیت‌های مرتعداری و پیامدهای تخریب مراغ، اثر مثبت و معنی‌دار و افزایش سطح مرتع اثر منفی و معنی‌داری بر مشارکت بهره‌برداران داشته است. محاسبه، تفسیر کشش و اثرات نهایی متغیرهای مؤثر نشان داد، بیشترین کشش مربوط به متغیر میزان آگاهی از پیامدهای تخریب مراغ بوده است. بطوریکه با افزایش یک درصد در میزان آگاهی بهره‌برداران، احتمال افزایش مشارکت ۲/۳۶ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین، بیشترین اثر

\*نویسنده مسئول: [sh.rastgar@sanru.ac.ir](mailto:sh.rastgar@sanru.ac.ir)

نهایی، مربوط به متغیر ارائه تسهیلات اعتباری بوده است. بطوری‌که با افزایش هر سال به میزان اعتبارات، احتمال مشارکت ۰/۱۷ واحد افزایش می‌یابد. اگر چه به‌دلیل ساختار سازمانی، مالکیت و مدیریت منابع طبیعی به عهده بخش دولتی است، اما نتایج تحقیق حاضر نشان داد که مدیریت پایدار مراتع بدون مشارکت مردم امکان‌پذیر نخواهد بود و این امر با اجرای برنامه‌های آموزشی، ترویجی و حمایت‌های مالی تسهیلاتی امکان‌پذیر گردیده است.

**واژگان کلیدی:** مشارکت، جوامع محلی، مدیریت پایدار، الگوی لوجیت، مراتع بیلاقی

#### مقدمه

منابع طبیعی بستر توسعه پایدار و پشتوانه حیات طبیعی و میراث فرهنگی جامعه انسانی به شمار می‌روند. رشد فزاینده جمعیت، ضرورت دسترسی به فرصت‌های شغلی جایگزین، کمبود منابع و فقدان الگوی کار آمد توسعه، موجبات فشار بیش از حد بر منابع طبیعی تجدید شونده را فراهم نموده و امروزه تخریب منابع طبیعی به‌عنوان یک معضل جهانی، فکر برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را به خود معطوف داشته است. با توجه به سطح وسیع منابع طبیعی در کشور و روند روبه‌گسترش تخریب این منابع لزوم توجه و مشارکت همه‌آحاد جامعه در امر توسعه، حفظ و احیای این منابع امری لازم و ضروری است (آرخی، ۲۰۰۱).

با توجه به اهمیت حفاظت از منابع طبیعی تدوین راهبردهای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع به عنوان ضرورتی بنیادی بیش از پیش احساس می‌گردد. مشارکت مردم در هر پروژه‌ای ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است و این مسئله در حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد، زیرا مسائل مربوط به محیط زیست و منابع طبیعی با زندگی جوامع محلی آمیخته است و توفیق هر نوع برنامه‌ای نیازمند مشارکت این جوامع خواهد بود. بنابراین نقش مردم در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی هر برنامه حفاظتی اهمیت حیاتی دارد. از این رو نظام مدیریتی مناسب برای حفاظت از این عرصه‌ها، بایستی بر مبنای مدیریت مبتنی بر مشارکت جوامع محلی بنا

نهاده شود. به بیانی دیگر راهبرد اصلی عملی کردن توسعه پایدار در بخش منابع طبیعی تجدیدپذیر تأکید بر عواملی است که بیشتر جنبه مشارکتی با جوامع محلی دارند (جینگلینگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه اجتماعی-اقتصادی یک جامعه به‌ویژه در عرصه‌های طبیعی (مراتع) نقش و حضور فعالانه بهره‌برداران در پروژه‌های اصلاحی و احیایی مراتع است. بدون همیاری و مشارکت مردم توسعه مفهومی نخواهد داشت، چرا که هر گامی که در راه رشد و توسعه برداشته می‌شود، باید با همراهی مردم انجام گیرد. یکی از مهمترین موانع مشارکت جوامع محلی در اجرای طرح‌های اصلاحی و احیایی مراتع عدم توجه به نیازهای اقتصادی-اجتماعی بهره‌برداران و منبع تأمین آن می‌باشد (فارچلیق<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). در عرصه منابع طبیعی تجدیدشونده، نقش بهره‌برداران در زمینه حفظ، احیا و توسعه آن بسیار حایز اهمیت است. یکی از راه‌های جلب مشارکت بهره‌برداران از عرصه‌های منابع طبیعی و به خصوص جنگل‌ها و مراتع، ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی و محلی است. (خلیقی و همکاران، ۲۰۰۶). این تشکل‌ها می‌توانند با جلب مشارکت همگان زمینه‌ساز موفقیت طرح‌های مختلف در زمینه حفظ، احیاء و بهره‌وری پایدار منابع طبیعی باشند (لینگ و چانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). هرچند پایداری توسعه فقط در منابع طبیعی خلاصه نمی‌شود، اما اعتقاد بر این است که حفظ و احیاء منابع طبیعی به‌عنوان بستر حیات انسان‌ها مهمترین عامل در رسیدن به توسعه پایدار است. با توجه به نقش مردم در توسعه پایدار و نیز گستردگی منابع طبیعی کشور و اهمیت آن در توسعه پایدار، ضرورت همکاری مردم در مدیریت منابع طبیعی مشخص می‌گردد (تاکادو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵).

پایداری عرصه‌های مرتعی زمانی تحقق می‌یابد که بهره‌برداری از اینگونه عرصه‌ها با شناخت همه عوامل مؤثر در اکوسیستم‌های مرتعی و رعایت پایداری همه این عوامل مدیریت گردند. از سوی دیگر تجارب بدست آمده در دنیا، نشان داده است که پایداری مدیریت عرصه‌های طبیعی، ارتباط مستقیم با پایداری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بهره‌بردار دارد (سلام<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). نیاز بهره‌برداران جهت تأمین آنی معاش خود و نبود فرهنگ آینده‌نگری و نگاه پایدار و دائمی بر اقتصاد مراتع که نشأت گرفته از ضعف اقتصادی همراه با ضعف فرهنگی هم باشد یکی از معضلات مهم حاکم بر اغلب

- 1- Jingling
- 2- Faircheallaigh
- 3- Ling and Chang
- 4- Thakadu
- 5- Salam

سامان‌های عرفی است. لذا در چرخه اکوسیستم مراتع که همه عوامل محیطی و انسانی بر آن حاکم می‌باشد. پایداری شرایط اجتماعی اقتصادی و فرهنگی به همراه پایداری شرایط محیطی، زمینه پایداری مدیریت بر سامانه‌های عرفی به حساب می‌آیند و این به خودی خود، مبحث توسعه پایدار را در اذهان تداعی می‌کند (استر و دالوا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

در مفاهیم مشارکت باید با رعایت قوانین و قبول مسئولیت مستمر و مسئولانه، جایگاه هر یک از اعضاء و شرکا در مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی و غیره تعیین گردد. امروزه مشارکت و تشویق مردم برای توسعه و تقویت آن به طور جدی مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. فائو در این خصوص کنفرانس جهانی اصلاحات اراضی و عمران روستایی را در رم تشکیل داد و مزیت مشخص رهیافت مشارکتی را تبیین کرد (مونی یوا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). رید<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) معتقد است مشارکت یعنی شرکت داوطلبانه افراد در تصمیم‌گیری، اجراء بهره‌برداری و ارزیابی فعالیت‌ها، البته این بدان معنی نیست که در هر مشارکتی مردم قادر به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی باشند و در کلیه مراحل شرکت نمایند مهم آن است که افراد نسبت به مسئله اعتقاد داشته و در برنامه‌ها با توجه به میزان درک و سوادشان مشارکت نمایند. مشارکت، میزان دخالت اعضا در فرایند تصمیم‌گیری است. مطرح شدن مقوله توسعه مفهوم کاربردی به واژه مشارکت می‌دهد. با نگاهی سریع به مفاهیم رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی و بالاخره توسعه پایدار ملاحظه می‌گردد که مشارکت دارای مفاهیم اساسی‌تر است، به طوری که در توسعه پایدار مشارکت را هدف و وسیله دستیابی به توسعه نامیده‌اند (گای<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

بنابر تعریف راو و فرور<sup>۵</sup> (۲۰۰۰)، واژه مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه در دهه‌های اخیر به طور چشم‌گیری فراگیر شده است. گردآوری سرمایه‌های کوچک افراد، کارگروهی مردم، حضور مردم در فرایند برنامه‌های توسعه و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و نقش سازمان‌های غیردولتی در امر توسعه را می‌توان از مصادیق آن برشمرد. این مفهوم از مشارکت، ابعاد مختلف فعالیت و رفتار انسانی را شامل می‌شود. به گونه‌ای که در اجلاس جهانی محیط زیست و توسعه که در سال ۱۹۹۲ در برزیل برگزار شد، با تأکید بر توسعه پایدار، به وابستگی حل مسائل زیست محیطی در برنامه‌ریزی تلفیقی اقتصادی اجتماعی، زیست محیطی و تشویق مردم در مشارکت فعال در تصمیم‌گیری پذیرفته

1- Esther & Ndalahwa

2- Munyua

3- Reed

4- Guy

5- Row & Frewer

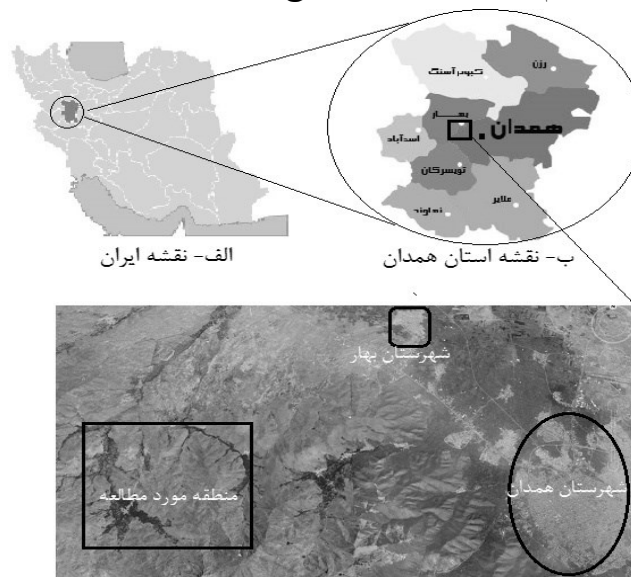
شد. بنابراین ارتباط توسعه پایدار با پایداری زیست محیطی، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. خلیقی و همکاران (۲۰۰۶)، مشارکت را راهبرد جدید توسعه پایدار در منابع طبیعی می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها مردم، منابع و مشارکت، سه رکن توسعه پایدار انسانی را تشکیل می‌دهند. با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چارچوب آن به فعالیت در می‌آیند.

رید و همکاران (۲۰۰۹)، در مطالعات متعددی نشان دادند که نه تنها میزان منفعت بلکه عوامل اجتماعی از جمله سطح سواد، سن، درآمد، محل سکونت و اندازه مرتع بر تصمیم بهره‌برداران مؤثر است. امیرنژاد و رفیعی (۲۰۰۹)، متغیرهای درآمد، تعداد دام، مساحت مرتع تحت اختیار، سابقه بهره‌برداری از مراتع، آموزش‌های ترویجی، میزان تحصیلات و عامل سن را از مهمترین عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری مراتع ییلاقی قائمشهر دانسته‌اند. آرایش و همکاران (۲۰۱۰)، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم استان ایلام را در حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری منابع طبیعی تجدید شونده، عوامل فرهنگی-اجتماعی (ارتباط با بهره‌برداران، آداب و سنن روستائیان، آگاهی از اهداف و مزایای طرح‌های منابع طبیعی و شناخت مشکلات بهره‌برداران) دانسته است. نصیری و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از الگوی لاجیت به بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر به‌کارگیری عملیات ترانس‌بندی پرداختند. نتایج مطالعه ایشان نشان داد، عواملی مانند تحصیلات، کشاورزی به عنوان شغل اصلی، مالکیت اراضی، آگاهی کشاورزان از روش‌های حفاظت خاک، شرکت در کلاس‌های ترویجی و در آمد کشاورزان اثر مثبت و معنی‌داری در به‌کارگیری عملیات ترانس‌بندی دارد. سعیدی و همکاران (۲۰۱۳) با رتبه‌بندی مشکلات مدیریت پایدار مراتع ییلاقی آمل مؤثرترین شاخص‌های مدیریت پایدار منطقه مذکور را "مدت توقف همراه با چرای مفرط دام" دانسته‌اند. با استناد به مطالعات پیشین و نیز با توجه به این مهم که امروزه مزایای مشارکت در توسعه پایدار منابع طبیعی بیش از گذشته ملموس شده است، ارزیابی چگونگی مشارکت مردم در مدیریت منابع طبیعی با توجه به ویژگی‌های افراد و ساختار اقتصادی موجود دارای ضرورت می‌باشد. افزون بر این، با بررسی تاریخچه نظام بهره‌برداری از مراتع کشور و وسعت زیاد عرصه مراتع و عدم تکافوی نیرو و امکانات دولتی و اینکه هیچ برنامه‌ای بدون مشارکت مردم موفق نیست، نگرش دوباره در سیاست‌ها و لزوم بازنگری و تغییر در اصول مدیریت پایدار مراتع، بیشتر از گذشته ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو، این تحقیق به شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در مدیریت مراتع استان همدان می‌پردازد. اهداف اختصاصی این تحقیق عبارت است از: بررسی ویژگی‌های فردی کارشناسان منابع طبیعی، بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق با

مشارکت مردمی در حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری منابع طبیعی تجدیدشونده در مراتع دشت بهار شهرستان همدان. به این منظور، تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر در مشارکت‌های مردمی در حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری منابع طبیعی تجدیدشونده از دیدگاه بهره‌برداران استان همدان انجام شده است. مدیریت مبتنی بر جوامع محلی رهیافتی چند بخشی برای مدیریت منابع طبیعی است که ذینفعان مختلف با نقش‌های متفاوت برای دستیابی به هدف نهایی که حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی است، در آن نقش دارند. این نوشتار نشان می‌دهد که شیوه مدیریت مبتنی بر جامعه محلی ابزاری مناسب برای پایداری منابع طبیعی است.

### مواد و روش‌ها

**منطقه مورد مطالعه:** حوزه آبخیز دشت همدان- بهار که به سیمینه‌رود نیز موسوم است با وسعت ۳۴۵۹ کیلومتر مربع در دامنه شمالی ارتفاعات الوند واقع شده است. خروجی حوزه در ناحیه شمالی آن (اراضی کوشک‌آباد) واقع و سفره آب زیرزمینی آن با دشت‌های کبودرآهنگ و قهاوند ارتباط هیدروژئولوژیکی دارد. محدوده دشت بین طول شرقی ۱۷ درجه، ۴۸ دقیقه تا ۳۳ درجه، ۴۸ دقیقه و عرض شمالی ۴۹ درجه، ۳۴ دقیقه تا ۲ درجه، ۳۵ دقیقه قرار گرفته است. این مطالعه در محدوده جغرافیایی استان همدان انجام شده است (شناسنامه طرح مرتعداری، ۲۰۰۶).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

متوسط آمار بارندگی سالانه ایستگاه‌های همدان، سد اکباتان و بهادریگ (آق کهریز) معادل ۳۲۴/۳ میلیمتر در طول دوره آماری ۳۷ ساله ایستگاه‌های فوق‌الذکر می‌باشد. با توجه به آمار ایستگاه‌های اندازه‌گیری دما در محدوده دشت بهار متوسط درجه حرارت دوره آماری ایستگاه‌های دشت ۱۱/۲ درجه سانتی‌گراد می‌باشد. میانگین درجه حرارت در گرمترین ماه سال (مرداد ماه) ۲۶ درجه سانتی‌گراد می‌باشد و در ماه تیر با اختلاف بسیار کمی (۲۵/۵ درجه سانتی‌گراد) دومین ماه گرم سال می‌باشد و در سردترین ماه سال دی‌ماه و بهمن‌ماه به ترتیب با میانگین  $-۰/۵$  و  $-۰/۸$  درجه سانتی‌گراد است. عمده‌ترین رودخانه‌های حوزه از ارتفاعات جنوبی (کوه‌های الوند) سرچشمه می‌گیرند. تمامی رودخانه‌ها در قسمت‌های مرکزی دشت به هم پیوسته و رودخانه اصلی حوزه به نام سیمینه رود را تشکیل می‌دهند که با روندی جنوبی - شمالی جریانی افت هوا از سمت شمال حوزه از تنگه کوشک‌آباد خارج می‌گردد (شناسنامه طرح مرتعداری، ۲۰۰۶).

#### روش تحقیق

بررسی مدیریت پایدار از دیدگاه معیار اجتماعی - اقتصادی نیازمند بررسی شرایط اجتماعی و اقتصادی منطقه مورد بررسی است. برای دستیابی به اهداف تحقیق با در نظر گرفتن این مطلب که بررسی مسائل اجتماعی - اقتصادی می‌تواند تأثیر سازنده‌ای بر مدیریت پایدار و در نتیجه بر برنامه‌ریزی مناسب برای منطقه مورد نظر و رفع مشکلات و مسائل آن داشته باشد، به همین دلیل پرسشنامه‌هایی توسط مردم محلی تکمیل شد. منظور از مدیریت پایدار در این تحقیق توازن و تعادل مناسب بهره‌برداری بین ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی بهره‌برداران و پروژه‌های اصلاح و احیایی مراتع می‌باشد.

روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق بر اساس مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. به منظور تعیین محدوده مورد مطالعه، با کمک نقشه‌های توپوگرافی بازدید اولیه از منطقه انجام شد و محدوده مورد نظر مشخص شد. در این تحقیق براساس اهداف مطرح شده، تداوم مشارکت بهره‌برداران در اجرای برنامه‌های اصلاح و احیایی در راستای مدیریت پایدار مراتع در سطح ۴ سامان عرفی حیدره قاضی خان، چوتاش، حصار آقا خانی، فسیجان شهرستان همدان انجام گرفت. با ۸ شاخص و با مقیاس رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفت. تمام سامان‌های عرفی مورد مطالعه دارای طرح مرتعداری

بوده و تمام دامداران پاسخگو دارای پروانه چرایایی بودند. از آنجاکه تحقیق حاضر در رده تحقیقات علی است و علت‌ها را از طریق رابطه وابستگی بررسی می‌کند، لذا دودسته متغیرهای مستقل (ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی) و متغیر وابسته مشارکت یا عدم مشارکت مردم در مدیریت پایدار مراتع مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود که با بهره‌گیری از مبانی و چارچوب نظری تهیه گردید و پس از اطمینان از روایی و پایایی آن برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای حصول اطمینان از روایی پرسشنامه از پانل متخصصان متشکل از کارشناسان اداره منابع طبیعی استفاده شده است. جهت آزمون پایایی ابزار تحقیق، تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل و آلفای کرونباخ آنها محاسبه گردید. مقدار این ضریب برابر ۰/۸۸ محاسبه شد که برای تحقیق حاضر ضریب پایایی مناسبی بود. جامعه آماری مورد بررسی استان همدان (۱۲۵) نفر بودند که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده ۵۶ نفر از آنها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

جامعه آماری این تحقیق بهره‌برداران مراتع دشت بهار شهرستان همدان می‌باشد. در این تحقیق مرتعدار یا بهره‌بردار شخصی حقیقی و حقوقی است که عرفاً سابقه مرتعداری یا بهره‌برداری از مرتع را دارد و ذیحق بودن آن داشتن پروانه چرا یا طرح مرتعداری در آن سامان عرفی است. به لحاظ گستردگی جامعه آماری و محدودیت زمانی مطالعه، ناگزیر از محدود کردن آن از طریق نمونه‌گیری و رجوع به نمونه‌ای از جامعه شدیم. در این تحقیق جامعه آماری بهره‌بردارانی با بیش از ۲۰ واحد دامی است که در مراتع منطقه حدود ۸۰ بهره‌بردار از لیست ممیزی استخراج گردید. تعداد نمونه در صورت فعال بودن این بهره‌برداران حدود ۵۳ خانوار پیش‌بینی می‌گردد.

**استخراج و کدگذاری پرسشنامه:** پس از تکمیل پرسشنامه در مناطق مورد نظر، جهت استخراج اطلاعات تمامی پرسشنامه‌ها کدگذاری شدند. یک کد به هر پرسشنامه جهت استفاده از برنامه‌های آماری داده شد. از تمامی اطلاعات کمی پرسشنامه بررسی آماره‌های توصیفی شامل فراوانی، میانگین و انحراف معیار صورت پذیرفت. همچنین، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های رتبه‌ای پرسشنامه با تبدیل پاسخ‌های کیفی به مقادیر کمی از روش وزن‌دهی هر شاخص یا گویه استفاده شده است (کلانتری، ۲۰۱۲). برای این منظور جهت سنجش نظر پاسخگویان از مقیاس لیکرت استفاده گردید. مقیاس لیکرت یک مقیاس ۵ بخشی است که بر روی یک پیوستار تنظیم شده است که در یک سوی این پیوستار گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و در سوی دیگر آن گزینه‌های کم و خیلی کم قرار گرفته است. جهت محاسبه امتیاز هر گویه، امتیاز پنج مطلوبترین حالت و امتیاز یک نامناسب‌ترین حالت



است این امتیازها قراردادی بوده و صرفاً برای تبدیل مقیاس کیفی به مقیاس کمی استفاده می‌شود (حیدری و همکاران، ۲۰۱۰).

شاخص‌های تعیین شده برای سنجش متغیرهای اقتصادی و اجتماعی به صورت به دو بخش کلی تقسیم یافت. متغیر وابسته در این تحقیق مشارکت بهره‌برداران در مدیریت پایدار مراتع می‌باشد. متغیرهای مستقل این تحقیق همان عوامل اقتصادی- اجتماعی هستند که شامل درآمد سالانه، تعداد دام، سطح مرتع، وضعیت مرتع و عوامل اجتماعی از قبیل سابقه بهره‌برداری، سن، میزان تحصیلات و ارائه تسهیلات اعتباری از دولت می‌باشند (حیدری و همکاران، ۲۰۱۰). سپس بهره‌برداران بر اساس این ویژگی‌ها طبقه‌بندی و چگونگی فعالیت آن‌ها تحلیل شد. به نحوی که در این مرحله تعدادی سؤال حذف و تعدادی هم اصلاح گردید و مواردی هم به سؤالات پرسشنامه اضافه گردید. باتوجه به پیوسته نبودن مقادیر متغیر وابسته در این تحقیق از مدل‌های با متغیرهای وابسته کیفی استفاده شد. به این گروه از مدل‌های اقتصادسنجی، مدل‌های رگرسیون گسسته<sup>۱</sup> اطلاق می‌شود (ابریشمی، ۱۹۹۹).

**تجزیه و تحلیل داده‌ها:** برای تحلیل عوامل مؤثر بر دیدگاه بهره‌برداران برای مشارکت در مدیریت پایدار از دامنه انتخاب شده (کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و کاملاً موافق) به صورت رتبه‌ای استفاده گردید. در بخش تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر نرم‌افزار SPSS و Eviews از نرم‌افزار Excel استفاده شد. با توجه به ماهیت داده‌ها از نرم‌افزار Eviews و برآورد الگوی رگرسیون لوجستیک استفاده شد (سومدا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲؛ آمسالو و گراف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). برای پردازش داده‌ها و تحلیل و توصیف آن‌ها از آمار توصیفی و آمار تحلیلی استفاده گردید.

**الگوی رگرسیون لوجیت:** مدل احتمالی لوجیت از توزیع‌های نرمال و لوجستیک بهره گرفته و مقادیر احتمال پیش‌بینی شده بین صفر و یک واقع می‌شود. برای بررسی اینکه چه عواملی احتمال انتخاب یک گزینه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، فرض می‌شود که متوسط مطلوبیت بدست آمده از یک انتخاب به صفات آن انتخاب که برای افراد مختلف متفاوت است، بستگی دارد. اگر مطلوبیت بدست آمده از هر یک از انتخاب‌ها را به‌عنوان متوسط مطلوبیت بعلاوه یک جزء اختلال تصادفی تعریف نمائیم، روابط (۳-۳) و (۳-۴) را خواهیم داشت (جاج و همکاران، ۱۹۸۸). در این مطالعه، جهت تعیین عوامل

1- Descrete Regression Model

2- Somda

3- Amsalu & Gragh

اقتصادی-اجتماعی مؤثر در مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری، از الگوی رگرسیونی لوجیت استفاده شده است. در این مدل فرض می‌شود که متوسط مطلوبیت (منافع) بدست آمده از مشارکت در اجرای طرح‌های مرتعداری به عوامل اقتصادی-اجتماعی که برای بهره‌برداران مختلف متفاوت است، بستگی دارد. الگوی رگرسیونی لوجیت دارای تابع توزیع تجمعی لجستیک است. متغیر وابسته در این الگوی رگرسیونی، مجموعه‌ای از مقادیر پیوسته است، اما موارد متعددی وجود دارد که رفتار تصمیم‌گیرنده در غالب یک مجموعه محدود خلاصه می‌شود. مدل‌هایی که برای چنین اهدافی استفاده می‌شوند مدل‌های کیفی نامیده می‌شوند. با توجه به پیوسته نبودن مقادیر متغیر وابسته در این مدل‌ها، به این گروه از مدل‌های اقتصادسنجی، مدل رگرسیونی گسسته اطلاق می‌شود. ساختار الگوی لوجیت مطابق با رابطه (۱) می‌باشد:

$$P_i = \frac{1}{1 + e^{-(\beta_0 + \sum_{i=1}^n \beta_i X_i)}} \quad (1)$$

که در آن،  $X_i$  متغیر مستقل نام است،  $e$  پایه‌ی لگاریتم طبیعی،  $\beta_0$  ضریب عرض از مبدأ و  $\beta_i$  نیز ضریب زاویه الگو در تابع لوجیت است.  $P_i$  احتمال یک بودن متغیر وابسته بوده و به معنی تمایل برای مشارکت در اصلاح و احیای مراتع توسط بهره‌برداران مراتع می‌باشد. پارامترهای الگوی رگرسیونی لوجیت با استفاده از روش حداکثر راستنمایی<sup>۱</sup> برآورد می‌شوند. به طوری که، اگر یک نمونه با  $T$  بهره‌بردار وجود داشته باشد، تابع راستنمایی<sup>۲</sup> بصورت رابطه (۲) و (۳) تعریف می‌شود:

$$L = \prod_{i=1}^T f(Y_i) = \prod_{i=1}^T P_i^{Y_i} (1 - P_i)^{(1 - Y_i)} \quad (2)$$

$$L = \prod_{i=1}^T F(X_i' \beta)^{Y_i} [1 - F(X_i' \beta)]^{(1 - Y_i)} \quad (3)$$

در صورتی که بهره‌بردار در اصلاح و احیای مراتع مشارکت نماید،  $Y_i = 1$  خواهد شد و در غیر اینصورت،  $Y_i = 0$  خواهد بود که نشان‌دهنده عدم مشارکت بهره‌بردار در اصلاح و احیای مراتع می‌باشد. لگاریتم تابع راستنمایی در الگوی رگرسیونی لوجیت بصورت رابطه (۴) است:

- 
- 1- Maximum Likelihood
  - 2- Likelihood Function
  - 3- Marginal Effect

$$\ln L = \sum_{i=1}^T \{Y_i \ln[F(X'_i \beta)] + (1-Y_i) \ln[1-F(X'_i \beta)]\} \quad (4)$$

مقدار کشش<sup>۱</sup> بیان‌کننده درصد تغییر در احتمال مشارکت به ازای یک درصد تغییر در هر یک از عوامل اقتصادی است و به صورت رابطه (۵) محاسبه می‌شود:

$$E_{ki} = \left( \frac{\partial p_i}{\partial X_{ki}} \right) \frac{X_{ki}}{F(X'_i \beta)} \quad (5)$$

مدل رگرسیونی لجیت بصورت رابطه (۶) می‌باشد:

$$y = \beta_0 + \beta_1 x_1 + \beta_2 x_2 + \beta_3 x_3 + \beta_4 x_4 + \beta_5 x_5 + \beta_6 x_6 + \beta_7 x_7 + \beta_8 x_8 + \beta_9 x_9 + \beta_{10} x_{10} \quad (6)$$

که در این رابطه  $y$ ، متغیر وابسته می‌باشد که مشارکت بهره‌برداران را در مدیریت پایدار مراتع نشان می‌دهد و  $x_1$  معرف متغیر ارائه تسهیلات اعتباری از سوی دولت،  $x_2$  میزان درآمد،  $x_3$  تعداد دام،  $x_4$  افزایش سطح مرتع،  $x_5$  آگاهی از فعالیت‌های مرتعداری،  $x_6$  سابقه بهره‌برداری از مرتع،  $x_7$  شیوه بهره‌برداری،  $x_8$  وضعیت مرتع،  $x_9$  میزان تحصیلات و  $x_{10}$  سن بهره‌بردار می‌باشند.  $\beta_0$  ضریب ثابت و  $\beta_1$  تا  $\beta_{10}$  نیز ضریب برآوردی هر یک از عوامل اقتصادی می‌باشد.

## نتایج

یافته‌های تحقیق در این فصل حاصل تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از پرسشنامه است که به صورت توصیفی و استنباطی ارائه شده است. در بخش توصیفی به ویژگی‌های فردی بهره‌برداران اشاره شده است و نتایج به صورت جداول، فراوانی نسبی و تجمعی و... ارائه گردید. در بخش استنباطی تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های گردآوری شده بر اساس اهداف و فرضیات تحقیق انجام گرفت. جدول (۱) ویژگی‌های فردی بهره‌برداران را نشان می‌دهد.

ویژگی‌های فردی بهره‌برداران: به منظور آشنایی با چگونگی فعالیت بهره‌برداران برخی از ویژگی‌های آن‌ها به شرح جدول (۱) بررسی شد. سپس بهره‌برداران بر اساس این ویژگی‌ها طبقه‌بندی و چگونگی فعالیت آن‌ها تحلیل شد. حجم نمونه مورد مطالعه، ۵۶ بهره‌بردار می‌باشد که ۴۵ مرد و ۱۱ زن مورد مصاحبه قرار گرفتند.

نتایج حاصل از نظرات بهره‌برداران نشان می‌دهد ۱۸/۸۶ درصد بهره‌برداران مراتع کمتر از ۳۵ سال سن داشته‌اند، ۲۶/۶۶ درصد بهره‌برداران در طبقه سنی ۳۶-۴۵ سال قرار دارند، ۲۴/۵۲ درصد در طبقه سنی ۴۶-۵۵ سال قرار دارند و ۳۱/۱۸ درصد بهره‌برداران در طبقه سنی بالاتر از ۵۶ سال قرار دارند. نتایج حاصل از نظرات پاسخگویان در مورد سواد نشان می‌دهد که ۴۱/۵ درصد افراد نمونه‌گیری شده در سطح بی‌سواد قرار دارند و ۲۸/۳۷ درصد سواد ابتدایی دارند، ۱۶/۹ درصد سواد راهنمایی و متوسطه دارند و ۱۳/۴ درصد دارای سواد دیپلم و بالاتر بوده است. در خصوص تعداد دام بهره‌برداران ۲۲/۵ درصد افراد کمتر از ۵۰ رأس دام دارند و ۳۹/۵ درصد افراد تعداد دامی آنها بین ۵۱ تا ۱۰۰ واحد بوده ولی ۳۸ درصد بهره‌برداران تعداد آنها بیشتر از ۱۰۰ واحد دامی است.

نتایج حاصل از نظرات پاسخگویان در مراتع منطقه نشان می‌دهد در ۱۷ درصد مراتع این شهرستان سابقه بهره‌برداری کمتر از ۱۰ سال، در ۲۲/۴۶ درصد مراتع ۱۱-۲۰ سال، در ۲۸/۵ درصد مراتع ۲۰-۳۰ سال و ۳۲/۰۷ درصد سابقه بهره‌برداری بیشتر از ۳۱ سال است.

براساس اطلاعات طرح مرتعداری در منطقه مورد مطالعه دو شیوه بهره‌برداری شورایی و مشاعی وجود داشته است. نتایج حاصل از نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۶/۶۰ درصد مرتعداران دارای شیوه بهره‌برداری شورایی هستند و ۴۰/۴۳ درصد دارای آنها شیوه بهره‌برداری مشاعی می‌باشند. نتایج حاصل از نظرات پاسخگویان در منطقه نشان می‌دهد، ۳۷/۷ درصد دارای زمین مرتعی کمتر از ۵۰۰۰ متر، ۳۴ درصد افراد بین ۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ متر زمین دارند و ۳۲ درصد بهره‌برداران بیشتر از ۱۰۰۰۰ متر زمین مرتعی جهت بهره‌برداری دارند.

نتایج حاصل از نظرات بهره‌برداران نشان می‌دهد ۲۸ درصد بهره‌برداران درآمد خود را کمتر پنجاه میلیون ریال عنوان نموده‌اند، ۳۸ درصد بهره‌برداران میزان درآمد سالانه خود را بین پنجاه تا صد میلیون ریال اعلام و ۳۳ درصد بهره‌برداران میزان درآمد سالانه خود را بیشتر از صد میلیون ریال بیان داشته‌اند. طی بررسی‌های به‌عمل آمده در بین بهره‌برداران ۶ نفر افراد نمونه‌گیری شده (۱۱ درصد) آنها دامدار بوده و ۱۱ درصد دیگر آنان کشاورز و ۷۸ درصد هم دامدار و هم کشاورز بودند.

نتایج نشان می‌دهد در ۲۴ درصد میزان آگاهی از فعالیت‌های مرتعداری بهره‌برداران به طرح‌های مرتعداری خیلی کم بوده، در ۳۴ درصد میزان آگاهی از فعالیت‌های مرتعداری بهره‌برداران کم، در ۲۴/۵ درصد متوسط، در ۹/۵ درصد از سامان‌ها میزان آگاهی از فعالیت‌های مرتعداری بهره‌برداران زیاد و در ۵/۵ درصد از سامان‌های عرفی بهره‌برداران از میزان آگاهی فعالیت‌های مرتعداری خیلی زیادی در انجام طرح‌های مرتعداری برخوردار بوده‌اند. بطورکلی حدود ۸۰ درصد بهره‌برداران منطقه از فعالیت‌های مرتعداری موجود در فعالیت‌های مرتعداری اطلاع خیلی کم تا متوسط دارند.

بهره‌برداران در صورت دریافت تسهیلات اعتباری از سوی دولت، کمتر از یک میلیون ریال تا ۱۸ درصد مشارکت و بیشتر از ۱۰ میلیون تا ۴۳/۸ درصد بیشتر مشارکت خواهند داشت. جدول (۱) خلاصه وضعیت ویژگی‌های فردی بهره‌برداران را نشان می‌دهد.

جدول ۱- توزیع حداقل و حداکثر فراوانی بهره‌برداران بر حسب ویژگی‌های فردی اقتصادی- اجتماعی

ویژگی فردی	کمترین درصد فراوانی	بیشترین درصد فراوانی
ارائه تسهیلات اعتباری از سوی دولت	کمتر از یک میلیون ۱۸	بیشتر از ۱۰ میلیون ۴۳/۸
درآمد سالیانه (شغل اصلی)	کمتر از ۵ ۲۸	بیشتر از ۱۰ ۳۳/۸
درآمد سالیانه (شغل دوم)	کمتر از ۵ ۱۹	بیشتر از ۱۰ ۳۹/۵
سطح مرتع (متر)	بیشتر از ۱۰۰۰۰ ۳۲	کمتر از ۵۰۰۰ ۳۷/۷
آگاهی از فعالیت‌های مرتعداری	خیلی زیاد ۵/۵	متوسط ۲۶/۵
تجربه بهره‌برداری از مراتع	کمتر از ۲۵ ۱۶/۹۸	بیشتر از ۵۵ ۳۲/۰۷
شیوه بهره‌برداری	مشاع ۴۳/۴	شورایی ۵۶/۶
آگاهی از پیامدهای تخریب منابع طبیعی	خیلی زیاد ۳/۵	خیلی کم ۳۲/۵
تحصیلات	دیپلم و بالاتر ۱۳/۴	بی سواد ۴۱/۵
سن بهره‌بردار	کمتر از ۳۵ ۱۸/۸۶	بیشتر از ۵۶ ۳۳/۱۸

تحلیل اقتصادی عوامل مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در مدیریت پایدار مراتع: برای بررسی اثر عوامل اقتصادی-اجتماعی در ارتباط با مشارکت یا عدم مشارکت بهره‌برداران در مدیریت پایدار مراتع از مدل رگرسیونی لوجیت با روش حداکثر راستنمایی استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد ضرایب مدل لوجیت نشان داد از ۱۰ گویه بررسی شده ۵ گونه تأثیر معنی‌داری بر مشارکت بهره‌برداران داشتند که نتایج در جدول (۳) آمده است.

با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان اظهار نمود که تسهیلات اعتباری دریافت شده از سوی دولت توسط بهره‌برداران بر میزان مشارکت آنها تأثیر معنی‌داری داشته است. در این رابطه با افزایش یک درصدی در میزان تأمین نهاده‌ها بصورت کود، بذر، علوفه و تسهیلات بانکی به بهره‌برداران احتمال افزایش مشارکت بهره‌برداران در اصلاح و احیای مراتع  $0/4$  درصد افزایش خواهد یافت. همچنین با توجه به برآورد اثر نهایی، با افزایش در میزان تسهیلات اعتباری از سوی دولت، احتمال مشارکت بهره‌برداران در اصلاح و احیای مراتع  $0/17$  واحد افزایش خواهد داشت.

مطابق با تجزیه تحلیل لوجیت میزان درآمد سالیانه بهره‌برداران حاصل از فعالیت دامداری به عنوان شغل اصلی اثر مثبت و معنی‌داری در سطح پنج درصد بر میزان مشارکت بهره‌برداران در اصلاح و احیای مراتع دارد. با افزایش یک درصدی در میزان درآمد سالیانه بهره‌برداران احتمال افزایش مشارکت بهره‌برداران در اصلاح و احیای مراتع  $0/32$  درصد افزایش خواهد یافت. با توجه به برآورد اثر نهایی، با افزایش در میزان درآمد بهره‌برداران احتمال مشارکت آنها در اصلاح و احیای مراتع  $0/19$  واحد افزایش خواهد داشت.

افزایش سطح مراتع نیز با ۹۵ درصد اطمینان رابطه معنی‌داری با میزان مشارکت بهره‌برداران نشان داد. به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در میزان افزایش سطح مراتع، احتمال افزایش مشارکت بهره‌برداران در اصلاح و احیای مراتع  $0/14$  درصد افزایش خواهد یافت. با توجه به برآورد اثر نهایی، با افزایش در میزان درآمد بهره‌برداران احتمال مشارکت آنها در اصلاح و احیای مراتع  $0/03$  واحد افزایش خواهد داشت.

بین میزان آگاهی بهره‌برداران از پروژه‌های اصلاحی و احیایی مراتع و مشارکت در این گونه‌ها فعالیت‌ها اختلاف معنی‌داری در سطح ۵ درصد خطا مشاهده شد. به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در میزان آگاهی بهره‌برداران میزان مشارکت آنها،  $0/15$  درصد افزایش خواهد یافت. با توجه

به برآورد اثر نهایی، با افزایش سطح آگاهی بهره‌برداران، احتمال مشارکت آنها در اصلاح و احیای مراتع ۰/۰۱۸ واحد افزایش خواهد داشت.

همچنین در بین دیگر پارامترهای اجتماعی، آگاهی از پیامدهای تخریب منابع طبیعی (مراتع) معنی‌دار شد که نشان دهنده نقش میزان آگاهی بر مشارکت می‌باشد. بطوری که با افزایش یک درصدی در پارامتر اطلاع‌رسانی از طرف کارشناسان میزان مشارکت ۲/۳۶ واحد افزایش می‌یابد که با توجه به برآورد آماره اثر نهایی، با افزایش آگاهی بهره‌برداران از پیامدهای تخریب منابع طبیعی بویژه مراتع، احتمال مشارکت آنها در اصلاح و احیای مراتع ۰/۰۴ واحد افزایش خواهد داشت. طبق نتایج بدست آمده از الگوی لجیت، سایر متغیرها (درآمد حاصل از شغل دوم، سابقه بهره‌برداری از مراتع، شیوه بهره‌برداری از مرتع، تحصیلات و سن بهره‌بردار) رابطه معنی‌داری با مشارکت در اصلاح و احیای مراتع ندارند.

در انتهای جدول مقادیر آماره‌های مربوط به قدرت و دقت توضیح‌دهندگی مدل را بیان می‌کنند. آماره نسبت راستنمایی، نسبت درستنمایی را در حالت مقید (همه ضرایب صفر هستند) و بدون قید مقایسه می‌کند. این آماره معنی‌دار بودن همزمان تمام ضرایب را نشان می‌دهد و اگر این آماره با توجه به احتمال آماره نسبت راستنمایی معنی‌دار باشد، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای توضیحی در مدل توانسته‌اند به خوبی متغیر وابسته را توصیف نمایند. به عبارت دیگر، نمی‌توان همزمان تمام متغیرها را صفر فرض نمود. مقدار آماره راستنمایی بدست آمده در جدول (۳) برابر ۴۲/۹۵ می‌باشد. این مقدار با توجه به احتمال نسبت راستنمایی نشان می‌دهد که تغییرات توضیح داده شده توسط این مدل، در سطح پنج درصد معنی‌دار شده است. ضریب تعیین مک‌فادن در این تحقیق (۰/۵۸۸) بدست آمد. آماره شبه  $R^2$  و یا  $R^2$  مکفادن برای رگرسیون لجستیک، مشابه  $R^2$  برای رگرسیون معمولی است. مقدار این آماره بین صفر و یک تغییر می‌کند و خوبی برازش مدل را اندازه‌گیری می‌نماید. هرچه این شاخص نزدیک به یک باشد، میزان تطابق مدل با واقعیت بیشتر بوده و به عبارتی نیکویی برازش بیشتر است و بالعکس هرچه مقدار شاخص به صفر نزدیک‌تر باشد، نیکویی برازش کمتر خواهد بود. بنابراین ضریب تعیین مک‌فادن در این تحقیق نشان داد که متغیرهای توضیحی (عوامل اقتصادی-اجتماعی) مدل، بخوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

معیار دیگر خوبی برازش که در جدول (۳) ارائه شده است، معیار طبقه‌بندی صحیح تصمیم‌گیرندگان به مشارکت یا عدم مشارکت بهره‌برداران در مدیریت پایدار مراتع است. درصد پیش‌بینی

صحیح در مدل برآورد شده، ۰/۹۴ درصد می‌باشد. بنابراین، مدل برآورد شده توانسته است درصد بالایی از مقادیر متغیرهای وابسته را با توجه به متغیرهای توضیحی پیش بینی نماید. هرچند که درآمد حاصل از شغل اصلی، سابقه بهره‌برداری از مراتع، شیوه بهره‌برداری از مرتع، تحصیلات و سن بهره‌بردار اثر مستقیمی بر مشارکت بهره‌برداران در مدیریت پایدار دارند، ولی از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشند. متغیر سن کشاورز نیز تأثیر منفی و معنی‌داری بر اجرای ترانس‌بندی دارد. هرچند که ضرایب برآوردی از نظر اقتصادی تفسیر مستقیمی ندارند، ولی علامت آنها بیانگر جهت تأثیر متغیرها است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه معیار کشش در میانگین، تمایل به برآورد بیش از حد احتمال پذیرش به ازای یک درصد تغییر در متغیر توضیحی را نمایش می‌دهد، کشش کل موزون قابل اعتمادتر خواهد بود. از این‌رو، در ادامه به تفسیر کشش کل موزون و اثرنهایی هر یک از متغیرها پرداخته شده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی لجوجیت

متغیرها	ضریب برآوردی	آماره t-student	کشش برآوردی	آماره اثر نهایی
ارائه تسهیلات اعتباری از سوی دولت	۰/۳۸	۱/۱**	۰/۴	۰/۱۷
میزان درآمد سالیانه (شغل دوم)	۰/۰۲۶۷	۰/۰۷ <sup>ns</sup>	۰/۳۲	۰/۰۱۹
میزان درآمد سالیانه (شغل اصلی)	۰/۰۳۰	۲/۰۴**	۰/۱۶۸	۰/۰۰۷
افزایش سطح مرتع	-۰/۰۰۸	-۲/۷۶۲**	-۰/۱۴۱	-۰/۰۰۳
آگاهی از فعالیت‌های مرتعداری	۰/۰۶۴	۲/۰۵۵**	۰/۱۵۲	۰/۰۱۸
آگاهی از پیامدهای تخریب منابع طبیعی (مراتع)	۰/۱۹	۲/۶۱**	۲/۳۶	۰/۰۴
تجربه بهره‌برداری از مراتع	۰/۰۸۷	۳/۷۴۴ <sup>ns</sup>	۰/۱۸۸	۰/۰۲۲
شیوه بهره‌برداری	۰/۰۲۲	۱/۲۱۷ <sup>ns</sup>	۰/۰۸۸	۰/۰۰۹
تحصیلات	۰/۱۶	۱/۷ <sup>ns</sup>	۲/۱۳	۰/۰۴
سن بهره‌بردار	-۰/۰۸	-۲/۲۸ <sup>ns</sup>	-۰/۲۰۱	-۰/۰۲
ضریب ثابت	-۱۵/۲۱۲	-۳/۱۶۶	-۰/۴۳۲	-

Likelihood Ratio Statistic (L. R. Statistic) = 42.95

Probability (LR statistic) = 0.000

Percentage of Right Prediction = 0.94

\*\* معنی‌دار در سطح ۵ درصد و ns عدم معنی‌داری



## بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال مشارکت یا عدم مشارکت بهره‌برداران با توجه به عوامل اقتصادی-اجتماعی در مدیریت پایدار مراتع انجام گرفته است. در این راستا با استفاده از روش رگرسیون لججیت به تعیین عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر در مشارکت بهره‌برداران در مدیریت پایدار مراتع پرداخته شد. اگرچه به دلیل ساختارزمانی، مالکیت و مدیریت منابع طبیعی به عهده بخش دولتی است، اما نتایج نشان می‌دهد که در مراتع، اجرای طرح‌ها بدون همکاری و ارتقاء انگیزه مشارکتی مردم امکان‌پذیر نخواهد بود. نیز در مطالعات خود به ضرورت مشارکت بهره‌برداران در مشارکت پایدار مراتع تأکید نموده‌اند (رید، ۲۰۰۸؛ جینگلینگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ روحی و همکاران، ۲۰۱۰).

یکی از راه‌حل‌های مدیریت و بهره‌برداری از منابع طبیعی، ارایه تسهیلات اعتباری از سوی دولت اعم از دریافت نهاده‌ها به شکل کود، بذر، علوفه و یا حتی تسهیلات اعتباری به شکل دریافت وام‌های کم‌بهره بوده است. این امر تا حدود زیادی توانسته است بر میزان مشارکت بهره‌برداران در پروژه‌های اصلاحی و احیایی تأثیرگذار باشد و زمینه حفاظت منابع طبیعی را در چارچوب توسعه پایدار فراهم نماید. با توجه به اینکه در این تحقیق بیشترین اثر نهایی مربوط به این عامل بوده است. ایجاد انگیزه در بهره‌برداران با ارائه تسهیلات، زمینه‌ساز بکارگیری نیروهای خلاق و امین در امر مشارکت می‌باشد (لین و چانگ، ۲۰۱۱). همچنین باعث ترقی وضعیت ضعیف‌ترین ذینفعان و توزیع عادلانه ثروت در جامعه می‌شود، که در نهایت شرایط را به سمت عدالت اجتماعی پیش خواهد برد و زمینه‌ساز حفظ و احیاء منابع طبیعی است. در صورت عدم تأمین مایحتاج عمومی از جمله سوخت زمستانی، کود، بذر و یا عدم فروش تولیدات روستائیان موجب تحقق نیافتن مشارکت روستائیان با دولتمردان در زمینه حفظ منابع طبیعی خواهد شد (استر و ناوادالوا، ۲۰۰۳؛ لین و چانگ، ۲۰۱۱).

در مطالعه درآمد و سطح مراتع، دریافت‌های ناخالص از فعالیت‌های دامداری همراه با افزایش تعداد گوسفند و بز داشتنی به عنوان منبع درآمد تعریف شده است. همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه گردید، درآمد سرانه با تمایل برای مشارکت در مدیریت پایدار رابطه مستقیم دارد و این همبستگی در سطح پنج درصد معنی‌دار است. این مطلب دلالت بر این دارد که بهره‌برداران دارای درآمد بیشتر، تمایل بیشتری به مدیریت مستمر در پروژه‌های اصلاحی و احیایی مراتع دارند. این امر بیانگر این است که پاسخگویانی که در فعالیت‌های دسته جمعی مرتع مشارکت نمی‌کنند، افراد کم درآمدی می‌باشند که

استنباط منفی در داشتن مزایای مشارکت در مدیریت پایدار دارند. چنانچه از بهره‌برداران با درآمد پایین حمایت بیشتری انجام شود و برنامه‌های سیاستی در جهت افزایش توان معیشتی این بهره‌برداران متمرکز شود، نتایج رضایت‌بخشی در پی خواهد داشت. بنابراین، چنانچه بهره‌برداران از تأمین معیشت خود اطمینان حاصل نمایند، با اشتیاق بیشتری این‌گونه طرح‌ها را خواهند پذیرفت (امیرنژاد و رفیعی، ۲۰۰۹؛ آرایش و همکاران، ۲۰۱۰؛ رید، ۲۰۰۸) نیز به نتایج مشابه رسیدند.

نتایج نشان داد میزان آگاهی از شیوه اجرای طرح‌های مرتعداری و پیامدهای تخریب منابع طبیعی (مراغ)، اثر مثبت و معنی‌داری بر مشارکت در اجرای طرح‌های مرتعداری داشته است. این مطلب دلالت بر این دارد که تجربیات مثبت قبلی در مشارکت، اعتماد کافی به خود روستائیان در انجام پروژه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های محلی از دلایل مؤثر در مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های اصلاح و احیایی مراغ است (حیدری و همکاران، ۲۰۱۰؛ زارعی و همکاران، ۲۰۱۳) نیز به نتایج مشابه رسیدند.

در یک اقتصاد معیشتی، نداشتن توانایی برای فراهم کردن زمینه پس‌انداز و بی‌نیازی از فعالیت در زمان پیری دلیل اصلی است که باعث مشارکت بیشتر در زمان پیری می‌شود. اما با توجه به اینکه در منطقه مورد مطالعه، بیکاری و نبود منبع درآمد مناسب علت اصلی مهاجرت جوانان به شهرها بوده است، لذا برای حل مشکلات خود در این زمینه به دنبال منبع درآمدی در این منطقه بوده و در نتیجه برای شرکت در پروژه‌ها تمایل زیادی نسبت به افراد مسن‌تر دارند. نتایج ارائه شده در جدول (۳) این مطلب را نشان می‌دهد و بیانگر این است که در جامعه مورد بررسی با افزایش سن بهره‌برداران احتمال مشارکت در اجرای طرح‌های مرتعداری کاهش خواهد یافت. افراد جوانتر به پذیرفتن اینگونه طرح‌ها تمایل بیشتری دارند. در تحقیق حاضر تأثیر این مشارکت معنی‌دار نبوده است (حیدری و همکاران، ۲۰۱۰؛ زارعی و همکاران، ۲۰۱۳) نیز به نتایج مشابه رسیدند.

داشتن شغل دوم غیر از دامداری که به عنوان یک متغیر توضیحی برای بررسی منبع درآمدی جایگزین در نظر گرفته شد، دارای همبستگی منفی اما غیر معنی‌دار با تمایل برای ایجاد تشکل و مشارکت در مدیریت آن می‌باشد. بهره‌برداران ممکن است به دلیل وابستگی کم‌تر بر منابع برای بقادر مرحله اول، خیلی شیفته ایجاد چنین روشی و یا مشارکت در مدیریت آن نباشند. گسترش فقر همواره دلیل اصلی تخریب منابع طبیعی بوده است.

باتوجه به نتایج این مطالعه تجربه بهره‌برداران از مراغ اثر مثبت و معنی‌داری بر مشارکت در اجرای طرح‌های مرتعداری نداشته است. همچنین تأثیر سطح تحصیلات (سواد) نیز بر مشارکت در

اجرای طرح‌های مرتعداری مؤثر نبوده است. تلاش بیشتر برای افزایش سطوح تحصیلات و آگاهی افراد قطعاً در بهبود وضعیت موجود اثر مثبتی خواهد داشت. این در حالی است که بیشتر بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه از سطوح تحصیلات پایینی برخوردارند. این طور بنظر می‌رسد که تجربه افراد در اجرای طرح‌های مرتعداری عامل مؤثرتری نسبت به سطح تحصیلات بوده است. پژوهش‌های حیدری و همکاران (۲۰۱۰)، خاتون‌آبادی و همکاران (۲۰۰۱) و امیرنژاد و رفیعی (۲۰۰۹) در این زمینه نیز نشانگر آن است که بین سواد و میزان مشارکت بهره‌برداران رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که از بین ۱۰ متغیر اقتصادی-اجتماعی، دریافت تسهیلات اعتباری از سوی دولت، درآمد سالیانه حاصل از شغل اصلی، افزایش سطح مراتع و میزان آگاهی از فعالیت‌های مرتعداری و پیامدهای تخریب منابع طبیعی دارای نقش معنی‌دار بر مشارکت مردم بوده‌اند و سایر عوامل نقش معنی‌دار نداشته‌اند. این امر خود بازگوکننده ضعف مفرد جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، روانشناختی، محتوایی، فنی و ساختاری در ارتباط با جلب مشارکت مردم می‌باشد. نتایج این مطالعه در زمینه تأثیر معنی‌دار عوامل ذکر شده بر مشارکت پایدار بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری با نتایج مطالعه (حیدری و همکاران، ۲۰۱۰؛ روحی و همکاران، ۲۰۱۰؛ آرایش و حسینی، ۲۰۱۰ و نصیری و همکاران، ۲۰۱۱) در زمینه سطح آگاهی بهره‌برداران از فعالیت‌های مرتعداری و پیامدهای تخریب منابع طبیعی تأثیر معنی‌دار داشته است. (امیرنژاد و رفیعی، ۲۰۰۹؛ خاتون‌آبادی و همکاران، ۲۰۰۱) نیز درآمد سالیانه حاصل از شغل اصلی و اندازه مراتع را دو عامل اقتصادی مهم در مشارکت بهره‌برداران در اجرای این گونه طرح‌ها بیان نمودند (آرخی، ۲۰۰۱؛ رید و همکاران، ۲۰۰۹). نیز عمده‌ترین عامل در مشارکت بهره‌برداران را در ارتباط با دریافت اعتبار از سوی دولت دانسته است. با توجه به تأثیرگذاری عوامل ذکر شده پیشنهاد می‌گردد که فرهنگ‌سازی مشارکت، توجه به مقوله‌های فرهنگی-اجتماعی، برقراری ارتباط مؤثر عوامل اجرایی با مردم، توجه ویژه به تعاونی‌های منابع طبیعی، شوراها و سازمانهای غیردولتی در دستور کار دولت و نهادهای دست‌اندرکار منابع طبیعی قرار گیرد. در این راستا کمک گرفتن از گروه‌های تخصصی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و یا فراخوان انجام تحقیقات در زمینه عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در مدیریت مشارکتی می‌تواند یکی از راه‌حل‌های مؤثر باشد. بنابراین اکثر فعالیت‌های منابع طبیعی بدست مردم قابل اجرا می‌باشد اما برای رسیدن به هدف نهایی و واگذاری عرصه‌های ملی به صاحبان اصلی، باید

زمینه مشارکت فراهم گردد و دولتمردان با اعتقاد به اصل مشارکت زمینه مشارکت مردم در هر طرحی را به وضوح مشخص نمایند.

نتایج مطالعه طرح‌های مختلف مشارکت محور، داخلی و بین‌المللی نشان داده که رمز موفقیت این طرح‌ها توجه به ماهیت شکننده منابع طبیعی و رفتار انسانی، کاهش فقر، بهبود معیشت و رفاه جامعه بعنوان زیربنای توسعه مشارکت جوامع بوده است. تحقق این مهم نیز در سایه توانمندسازی جوامع محلی و تشکل‌ها با استفاده از ابزارهای آموزشی و مهارت‌آموزی، امکان‌پذیر خواهد بود.

#### منابع

1. Amirnejad, H. and Rafei, H. 2009. Envestigating socio-economic influencing factors on rancher's participation. *Rangeland Journal*, 3 (3): 710-722.
2. Amsalu, A. and Graaff, J. 2007. Determinants of adoption and continued use of stone terraces for soil and water conservation in an Ethiopian highland watershed. *Ecological Economics*, 61: 294-302.
3. Arayesh, M.B, Hosseini, S.F.A., Mirdamadi, S.M. and Malekmohammadi, I. 2010. A comparison between viewpoint of experts and utilizers of natural resources on people participation in the process of preservation, restoration, development and utilization of forests and rangelands- Ilam province. *Iranian Journal of Range and Desert Reseach*, 17(3): 377-392.
4. Arekhi, S. 2001. Investigation influence factors on lack of participation in rangeland restoration projects (focus on Gomishan rangelands ranchers, Golestan province). P. 73, *Proceedings of the II International Range and Rangeland Congress*, Faculty of Natural Resources, Tehran University, Iran.
5. Esther, W. and Ndalalwa. F. 2003. Public participation in integrated water resources management: The case of Tanzania. *Physics and Chemistry of the Earth* 28:1009-1014.
6. Faircheallaigh, C.O. 2010. Public participation and enveronmental impact assesment: purposes, implications, and lessons for public policy making. *International Journal by Environmental Impact Assessment Review*. 30: 19-27.
7. Abrishami, H. 1999. *The principles of econometrics*. Tehran University press, Tehran, 720 P. (In Persian).
8. Guy, B. 2006. People, land and water: Participatory development communication for natural resource management. *Earth Scan*, 313p.
9. Heydari Gh.E. Aghili, S.M. Barani, H., Ghorbani, J. and Mahbubi, M. 2010. Correlation analysis between the range and extent of participation of farmers in range management plans (Case study: Baladeh rangelands, Mazandaran province). *Rngeland Journal*. 4(1): 138-149. (In Persian)

10. Jingling, L., Luan, Y., Liyaa, S., Zhiguoa, C. and Baoqiangb, Z. 2010. Public participation in water resources management of Haihe river basin, China: the analysis and evaluation of status quo. *Procedia Environmental Sciences*, 2: 1750–1758.
11. Kalantari, Kh. 2012. *Data processing and analysis in socio-economic reseach*. (5th Ed.), Farhange Saba (Iran). 368 p.
12. Khalighi, M.M., Khalighi, N. and Farahpour, M. 2006. Study of ecological and social sustenance of different exploitation methods (Case study: Karaj river watershed). *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 13(2): 82-93.
13. Khatunabadi, S.A., Amini, A.M. and Mirzaali, A. 2001. Deterrent factors of livestock holder communion for pastures revival in Aghala. *Journal of Agriculture Technology and Science*, 5: 39-54.
14. Lin, P.C. and Chang, C.H. 2011. Towards sustainable community-based natural resource management in the indigenous Meqmegi community in Taiwan: rethinking impacts of local participation. *Natural Resources Forum*. 35:134–144.
15. Munyua, H. 2000. *Information and Communication Technologies for rural Development and food security: lessons from field experiences indeveloping countries*. <http://www.fao.org/sd/CD direct / CD re 0055 b. htm>.
16. Nasiri, M., Najafinejad, A., Darijani, A. and Saadodin, A. 2011. Evaluating socio-economic influencing factors on terracing adoption: Using Logit model, Case study, Chamany Watershed, Golestan Province. *J. of Water and Soil Conservation*, 18(4): 209-223.
17. Reed, M.S. 2008. Stakeholder participation for environmental management: A literature review. *Biological conservation*. 141: 2417-2431.
18. Reed, M.S., Graves, A., Posthumus, H., Hubacek, K., Morris, J., Norman, D., Prell, C., Quinn, C.H., and Stringer, L.C. 2009. Who's in and why? A typology of stakeholder analysis methods for natural resource management. *Journal of Environmental Management*, 90: 1933-1949.
19. Rowe, G., and Frewer, L. 2000. Public participation methods: a framework for evaluation in science. *Technology and Human Values*. 25: 3–29.
20. Saeidi Goraghani, H., Heydari, Gh.E., Barani, H. and Alavi, S.Z. 2013. Assessment of Problems rangeland permanent management in watershed land from exploitations view point (Case study: Damavand Summer Rangeland in Amol County). *Journal of Rangeland and Watershed Management*. 66(2): 227-276.
21. Salam, M.A. Noguchi, T. and Koike, M. 2005. Factors influencing farmers to Sustained participation in participatory forestry: A case study in central Sal forest in Bangladesh. *Journal of Ecological Economics* 57(4) 709-723.
22. Somda, J., Nianogo. A.J., Nassa, S. and Sanou, S. 2002. Soil fertility management and socio-economic factors in crop-livestock system in Burkina Faso: case study of composting technology. *Ecological Economics*, 43: 175-183.

23. Thakadu, O.T. 2005. Success factors in community based natural resources management in northern Botswana: Lessons from practice. *Natural Resources Forum*, 29(3):199–212.
24. Zareea, M., Azmoodeh, A., Amirnejad, A. and Pirnia, A.A. 2013. Investigating effective factors influencing on non participating stakeholders in watershed projects (Case study: Berenjestanak watershed). *Journal of natural resources economics*, 2(2):63-75.